

Infinite internet

اینترنت محض

نویسنده : فیلیپ برتون (Philippe Breton)

استاد جامعه شناسی دانشگاه ماری

آدرس سایت مقاله :

<http://www.findarticles.com/p/articles>

کلید واژه ها: تکنیک گریزان، ایدئولوژی برتر، اینترنت محض، تحول متافیزیک جدید، فضای سایبر

علیرغم تبلیغات شدیدی که درباره ی اینترنت انجام میگیرد و ارزش گذاری فوق العاده ای که فناوریهای جدید اطلاعاتی با آن روبه رو هستند، این موضوع هنوز هم از اتفاق آرا برخوردار نیست. افراد بسیاری درملاء عام خاموشی گزیده اند، به خصوص کسانی که معمولاً از تکرار کلیشه های فراوانی که محتوای اصلی شنیده ها در باره ی اینترنت را تشکیل میدهند، خودداری می کنند. به طور اجمالی میتوان سه موضوع را متمایز ساخت: نخست هواداران «اینترنت محض» یا تازه گروندگان به آیین جدید، گاه بی آنکه بدانند، سپس تکنیک گریزان، دشمنان هر نوع تکنیک و سرانجام آنان که می اندیشند کاربرد منطقی فناوریها می تواند تحت بعضی شرایط، عامل پیشرفت باشد.

گروه اول قطعاً بیشترین سهم را دارند و دیدگاهشان در حال تبدیل شدن به «ایدئولوژی برتر» در این زمینه است، یعنی تنها نگاه ممکن و مشروع به مسئله، به حدی که اغلب تصور نمیشود که نگاه دیگری نیز میتوان داشت. گروه دوم تعدادشان از آنچه به نظر میرسد بیشتر است. آنان از سرشناخت، ناآگاهی یا صرفاً خشم با نوعی مقاومت غیر فعال، پنهانی اما موثر، با اشاعه ی فناوریهای جدید اطلاعاتی مخالفت می ورزند. سومین موضع، که سعی دارد جایگاهی سنجیده را به تکنیک اختصاص دهد، هنوز گسترش چندانی نیافته است. این موضوع اغلب از تجارب متعددی شکل گرفته که به سختی متحد می شوند. این موضع بر ارزشهایی انسان گرایانه تکیه دارد که به سختی تأیید شده و برخی از این ارزش ها امروزه دچار بحران هستند.

هواداران اینترنت محض

اولین موضع از سوی کسانی مورد دفاع قرار می گیرد که تمام توانشان را برای گسترش اینترنت نشان می دهند و سعی دارند آنرا در تمامی ابعاد زندگی خصوصی، عمومی و حرفه ای ما به کار برند. اینان پیامبران (اینترنت محض) هستند و تنها یک نگرش نسبت به آینده دارند: دنیایی که فناوریهای جدید

اطلاعاتی مرکز تازه ی آن خواهد بود، مرکزی فراگیر، چراکه در همه جا خواهد بود. اینترنت در این محیط مورد ستایش واقعی قرار می گیرد.

همان طور که یکی از آنان با هیجان می گوید:

"تاریخ جهانی جهت یافته است، این تاریخ دربرگیرنده جهتی آشکارا متمایزست که ویژگی مجازی دنیا را تشدید میکند. مرزهای دنیا سیار نفوذپذیر، انعطاف پذیر و تعاملی میشوند و در همه ی جهات به هم جوش میخورند. امروزه تکامل جهانی و فرهنگی در دنیای مجازی فضای سایبر به نقطه ی اوج میرسد."

آنان بدون تردید از «دنیای تازه» که با دنیای قدیمی محکوم به حذف در تضاد است، سخن میگویند. این دنیای مجازی، دنیای شبکه ها، که «فضای سایبر» نیز نامیده شده، به یاد منشاء سایبرنتیک خود، به تدریج جایگزین «دنیای واقعی» قدیمی خواهد شد. اما دفاع از اینترنت محض می تواند با انگیزه های بسیاری صورت گیرد. در مرکز کسانی یافت میشوند که اغلب شیوه ی پیامبرگونه دارند و جهت حرکت را نشان میدهند. اینان اغلب روشنفکرانی از تبار مک لوهان هستند که به هواداران جامعه ی اطلاعات و سپس اینترنت مبدل شده اند. موضع آنها آغشته به نوعی مذهب گرایی است.

در این عرصه به عنوان مثال فرانسویانی چون پیرلوی و فیلیپ کئو یافت خواهند شد. بنیادگرایان اینترنت در ردیف آنان قرار میگیرند. پیرلوی نویسنده ی کتابهای بسیاری است که لحن عرفانشان کاملاً محسوس است. نفوذ وی در محیط های اینترنت حایز اهمیت است. آخرین کتاب وی، اثری مستدل و شورانگیز به هواخواهی «دنیای فلسفه» است که ترکیب خوبی از اعتقاد های محیط اینترنت را فراهم می آورد. دومین نفر فیلیپ کئو در مقام رئیس بخش انفورماتیک و اطلاعات یونسکو برای متقاعد ساختن عوام بر موضع خود تأکید میکند که «هنوز هیچ چیز دیده نشده است»، که «تحول متافیزیک جدید» در جریان است، آنجا که «واقعیت تماماً زبان میشود»، یعنی اطلاعات، و آنجا که به لطف فضای سایبر همه موفق به دستیابی به «اتحاد کامل نقشه و سرزمین» می شوند.

این دو نویسنده نسبتاً به خوبی تثبیت مینمایند آنچه را که معمولاً در محیط فناوریهای جدید اطلاعاتی اندیشیده می شود، این محیط ها اغلب خود را به عنوان حامل ارزش ها و رسالتی در برابر دیگران می دانند. اگر همه هواداران پرشور اینترنت خود را در محاصره چنین بینش های پیامبرگونه ای نبینند، به

هر حال این بینش ها زمینه ای فلسفی را تشکیل می دهند که به شکل های کم و بیش شناخته شده مورد قبول و مطالبه ی بسیاری است. این بینش ها «تفکر اینترنت» را به وجود میاورند.

به هر حال بسیاری از هواداران این آیین جدید متقاعد گشته اند که فنون، طبیعتاً حامل پیشرفت هستند و اینکه هرچه دنیای ما به خصوص به فناوریهای جدید اطلاعاتی اعتماد کند، بهتر خواهد شد. بسیاری از انفورماتیسیست ها از این دیدگاه دفاع میکنند. نیکولاس نگروپونت امریکایی، نویسنده رساله ی موفق «درباره انسان عددی» است. در این رساله از این ایده دفاع میکند که «انفورماتیک شیوه ای برای زندگی است» و آرمان آن اینست که از این پس بتوان «همنوع خویش را در مرحله های عددی ملاقات کرد.

روبرت کاپیلو، انفورماتیسیست سی. ان. آر. ان. (مرکز اروپایی تحقیقات هسته ای) در ژنو و یکی از مخترعان اصلی وب نیز تأیید میکند که «رایانه یک ماشین نیست» و بعد از فرهنگ شکار و نیروی فیزیکی، فرهنگ کشاورزی و پول، حال نوبت دنیای شبکه ها و اطلاعات است. بیل گیتس، پایه گذار بسیار رسانه زده میکروسافت، آنارشیست قدیم و لیبرال امروز نیز به شدت از دنیایی دفاع می کند که در آن اطلاعات، تمام فعالیت های ما را مجذوب خواهد ساخت. در کنار پیامبران و فناوران، تمام کسانی یافت میشوند که به هر دلیل، به گسترش (اینترنت محض) علاقه مند هستند یا فکر میکنند علاقه مندند.

به خصوص این وضعیت رهبران فکری «اقتصاد جدید» است که در گسترش همه جانبه ی شبکه ها، فرصتی برای افزایش منافع یا حتی کسب ثروت های بادآورده می بینند. این وضعیت شامل سیاستمداران نیز میشود که اغلب توسط راهزنان پرشوری در این موضوع احاطه شده اند و در اینجا فرصت اجرای یک برنامه ی سیاسی را با بازی روی موج مردمی از دید خودشان می یابند. میتوان به ویژه از الگور معاون رئیس جمهوری آمریکا و یا تمام کسانی که چون میونل ژوسپن در فرانسه توسط «جامعه ی اطلاعاتی همبسته» فریفته شده اند، نام برد. در همه جا اینترنت میتواند شتاب دهنده ی شگفت انگیز شغلی باشد. برخی از افراد چه بدان اعتقاد داشته باشند چه نداشته باشند، به شدت به دلیل دگرگونی ارزش های جامعه ما و گذر سریع به «جامعه جهانی اطلاعات» بدون توجه به نتایج آن و تنها به شرط این که جامعه ی جهانی در خدمت سرنوشت فردیشان باشد، مبارزه می کنند.

بدین ترتیب چه تعداد، با داوطلب شدن، در یک بنگاه یا مؤسسه، برای گسترش ابزار جدیدی که هیچ کس درباره ی آن چیزی نمیداند یا نسبت به آن بدگمان است، به سرعت در شغلی موفق خواهد شد؟ هیچ کس عمل بدی انجام نمی دهد، اما وقتی که قدرت مورد نظر نسبی است، در جایی که موفق به قبولاندن این ابزار میشوند، وسوسه ی هوادار «اینترنت محض» شدن قوی است. پیامبران، خوشبینان فنی یا به سادگی حرفه ای های برانگیخته شده به وسیله اینترنت، همه برای به راه انداختن انقلابی جدید تفاهم دارند و متقابلاً به هم تکیه میکنند بدون این که درباره عواقب اجتماعی و انسانی چنین باوری تأمل کنند. اهل فن توجیه اعمال خود را درنوشته های «پیامبران» این جامعه جهانی اطلاعات خواهند یافت که پیدایش «دنیای جدید» را اعلام می کنند و اینان کلامشان را بر مثالهای کثیری از «موضوع» برگرفته اند استوار می سازند.

تکنیک گریزان

امروزه دشوار است که با توان شکنندگی موج فنی و به خصوص ارزش های غالب همراه با آن، مخالفت کرد. با این همه این باور که ارزشها از اتفاق آرا برخوردار شوند، خطا خواهد بود. این ارزشها مقاومت های بیشماری را بر می انگیزانند، حتی اگر این مقاومت ها همگن بنا شوند. البته یک جریان تکنیک گریز جوامع ما را در می نوردد. برای برخی، فن خیلی زود معادل گناه شده است. اغلب این ضدیت، بر ارزشهای مذهبی یا حداقل تأویلی از این ارزشها تکیه دارد.

به محض اینکه موضوع جامعه ی فن آور ارتباطات متصور شد، به خصوص توسط ریاضی دانان امریکایی نوربرت واینر، فلاسفه ای دیگری چون ژاک الول فرانسوی که در دنیای پروتستانتسم و ماورای آن بسیار نام آشناست، به نقد ریشه ای فنون دست زد، به خصوص در اثری به نام فن یا داو قرن که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۷ به چاپ رسیده و به ویژه در ایالات متحده بلافاصله با موفقیت روبه روشد.

از آن زمان ژاک الول مکتبی را پایه گذار کرده و بسیاری متفکران فن از جمله آندره ویتالی فرانسوی را تحت تأثیر قرارداد که مدت زیادی برای سی.ان.آی.ال. (کمسیون ملی انفورماتیک و آزادیها) کار کرده است.

با شروع تأملی درباره یکتاپرستی، ساموئل تریگانونیزبا «دنیای یکدست و بیگانه ی» «دهکده جهانی» مخالفت می نماید. (دنیایی که در خلال جریانات اطلاعاتی و اقتصادی شکل میگیرد که «کادرهای عملی هویت انسان را نامطمئن می سازند.) به هر حال با موضوعگیری جنجال برانگیز، صاحب نظرانی همانند بل ویرلیو فرانسوی، بسیار رسانه زده، در جبهه مخالفت ریشه ای با اینترنت، علیه خطرات «چرنوبیلهای انفورماتیک» و علیه جامعه ای که بیش از پیش با شتاب به «دیوار اصابت خواهد کرد»، با احتیاط برخورد می کنند.

این موضع گیریها، هر کدام به شیوه خویش، مناظره ضروری درباره داوریهی اجتماعی فناوریهای جدید اطلاعاتی را تغذیه می کنند. اما یک جریان دیگر تکنیک گریز با حساسیتی کاملاً متفاوت وجود دارد. این جریان به نادانی و به محرومیت بستگی دارد و اساساً به برخی از کسانی که با دنیای فنون بیگانه هستند، مربوط می شود. این جریان اغلب انعکاس نابرابری موقعیتهای شخصی و حرفه ای در جامعه ای است که در آن هنوز آموزش فنی نسبت به آموزش فشرده از عمومیت کمتری برخوردار است. در واقع، به بیسوادی بسیار شایع تا قلب غنی ترین جوامع، «بیسوادی الکترونیکی» افزوده شده که سرچشمه محرومیت، عدم پذیرش و خصومت است. سرانجام تکنیک گریزان به دلیل ارتجاع و خشمشان در برابر ستایش واقعی نسبت به اینترنت، متمایز می گردند.

غالباً سخن دیگر و انتخاب دیگری جز اینترنت محض به ذهنشان خطور نمیکند، آنها تر و خشک را با هم میسوزانند و کلاً آن را منکر می شوند، بدون اینکه، موضعشان فیلسوفانه و یا بر اساس طرح ارزشها پایه ریزی شده باشد. تکنیک گریزی آنها بیشتر نشانه فقدان مناظره درباره موضوع است تا اینکه یک دشمنی واقعی با فنون باشد.

هواداران کاربرد منطقی

در میان شیفتگان تکنیک و تکنیک گریزان، راه سومی نیز امکان پذیر است. مرتباً، در تاریخ گسترش فناوریهای جدید در نیمه دوم قرن بیستم، صداهایی برای انتقاد کردن از شور و هیجانی عظیم یا بدبینی عظیم برخاسته اند. حتی خود نوربرت واینر که طبق گفته خودش بعد از مشارکت بسیار در «آزادسازی غول شر از بطری» در اواخر حیاتش، در سالهای ۶۰، جهشی ناگهانی و انسان گرایانه داشته است. در دنیای

انفورماتیک، برخی از نامهای بزرگ گواهی داده اند به نفع کاربردی منطقی، انسان‌گرایانه از فنون اطلاعاتی و علیه افسارگسیختگی و افراطی که فنون فراهم می آورند.

از آغاز «انقلاب انفورماتیک» سالهای ۶۰ و ۷۰ زمانی که وعده جامعه ای بهتر به لطف رایانه ها داده میشد، یکی از بزرگترین متخصصان آی.ای. (هوش مصنوعی)، انفورماتیسین امریکایی، ژوزف ویزان بوم درباره ی قادر محض آویخته به تکنیک در جوامع ما از خود پرسش میکند.

در فرانسه ژاک آرساک، صاحب اولین کرسی استادی انفورماتیک در دانشکده علوم پاریس، در سال ۱۹۶۸ برای اعلام باوری قلم به دست گرفت که براساس آن انفورماتیک با حوزه «معنی» ارتباطی دارد:

برای او این دیسیپلین، که آن را خوب میشناسد، می بایست در «عملکرد فرم» جا میگرفت. موضع او حتی اگر خود به روشنی آن را آشکار نمی کند از یک دیدگاه مذهبی الهام گرفته است، کاتولیسیسم او به سختی تحمل می کند که حوزه ی معنی، خاص دنیای روحانی، به وسیله ی فنون محاصره شده باشد.

برای این دو متخصص علت محرز است، ابزار فقط ابزار هستند، با اینکه کاملاً در حوزه های دیگر درگیر هستند، به عنوان مثال این ادعا که از اینترنت اهرمی برای «انقلاب اجتماعی» ساخته میشود با آرمان های انسان گرایانه ای که انسان را _ و نه تکنیک را _ در مرکز دنیا قرار میدهند، در تضاد قرار می گیرد. نقد «ابدئولوژی ارتباط» که از سوی لوسین سفر، استاد دانشگاه آغاز شد، و تحلیل «آرمانشهر ارتباط»، هر کدام به شیوه ی خویش، مقدمات اندیشه ای درباره ی کاربرد منطقی فنون در زمینه ای با این حال بسیار فنی را به همراه داشتند. از آغاز این فرضیه ها جریان «ضد جهانی کردن لیبرال» که در پایان سالهای نود در اروپا و جاهای دیگر پدید آمد، به طور بالقوه در برگیرنده ی نقدی منطقی درباره اینترنت است. در فرانسه این حرکت که توسط لوموند دیپلماتیک و شبکه های هوادارش جهت دار شده، منش مطمئنی را در منازعه ی اینترنت، به مثابه ابزاری که توسط لیبرالیسم کاملاً ابزارگرایی شده، بازی میکند، این دیدگاه، که به عنوان مثال از سوی ایگناسیورامونه در حکومت مطلقه ارتباط بیان شده، تحلیل ارزشهای سخن همراه فناوریهای جدید اطلاعاتی هماهنگ با فلسفه لیبرالیسم را میسر می سازد.

در چشم اندازی دیگر، هواداران «تنظیم» اینترنت از جمله تنظیم قضایی، نقش مهمی را در دفاع از کاربرد کنترل شده ی فناوریهای جدید بازی میکنند. به عنوان مثال این معنی مداخله ی جامعه شناس فرانسوی،

متخصص رسانه ها، دومینیک وستون است، کسیکه در اینترنت و بعد سعی نموده تأثیر فناوریهای جدید را نسبی گردانده و از قانونمندیشان دفاع کند «برای اینکه آزادی ارتباط مترادف قانون جنگل نشود. امروزه، به خصوص در فرانسه، در میان هواداران بسیار فعال کاربرد منطقی، بخشی از مدرسان نیز یافت می شوند. وانگهی بدون شک این امر باعث میشود که آنان از سوی طرفداران پرشور جامعه ی اطلاعاتی مورد تمسخر و گاه اتهام قرار گیرند. آن ها را به سبب حالت معروف «مقاومتشان در برابر دگرگونی» سرزنش می کنند. باید گفت که در این مورد بسیار بد با آن ها برخورد شده است.

از آغاز سالهای شصت، انفورماتیسیتهای آی.بی.ام، نوید دهندگان «آموزشهای» جدید بالهام نسبتاً رفتارگرایانه، پایان مدرسان «انسانی» و به طور خلاصه جایگزین شان توسط «ماشینهای آموزگار» را باغرور اعلام می کردند. این همان سخنی است که امروزه گاهی شنیده میشود، آنجاکه اینترنت با مجاز شمردن «دسترسی به دانش جهانی» با تصغیر انسان در حد بسیار ناچیز، او را از واسطه گری معاف ساخته، استاد را به «دستیار» دانش آموز مبدل می سازد. چنین جوی نمی تواند استقبال خوبی از تکنیک های جدید را مهیا سازد. با این همه بسیاری از مدرسان به تأملی آموزشی درباره ی یک کاربرد منطقی، در خدمت آموزش و رابطه ی ضروری بین معلم و دانش آموز، مبادرت می ورزند.

در جو کنونی، هواداران کاربرد منطقی در هر حال با گرایش وزینی در تضاد هستند، یعنی اینترنت محض و ستایش واقعی که از سوی متملقان آن ابراز می شود. دیدگاهشان یا انگیزه شان هرچه باشد، موضع آنها در واقع باعث چشم پوشی جزئی از توانایی فنون و قراردادن مرزهایی بسیار محدود بین دنیای تکنیک و دنیای انسانی است.

آنها به نوعی، بر خلاف مذهب گرایی جدید که دنیای اینترنت را آبیاری می کند، کاربرد «غیر مذهبی» فنون، نوعی جدایی بین کلیسای فنی و دولت انسانی را می ستایند. این مسئله نشان می دهد که آنها به سختی می توانند از گوشه ی عزلت خود خارج شده و تجربیاتشان را با دیگران رد و بدل کنند. اعمالشان، در بافتی که فشار اجتماعی بسیار قوی است به شبه نهفتگی نزدیک است. مشکلات این راه سوم، آن گونه است که، علی رغم یاری چند روشنفکر که چندان مظنون به دشمنی با فنون نیستند، هر موضع نقادانه، یا

حتی یک فراخوان ساده به مناظره درباره اینترنت و سخنی که آن را می‌ستاید، اغلب توسط رسانه‌ها به یک «موافق یا مخالف» به شدت پیش پا افتاده تنزل می‌کند.

بارها شنیده می‌شود به آنان که ملاحظاتی را درباره‌ی اینترنت محض مطرح می‌سازند گفته می‌شود: «ولی این عجیب است، با این همه شما از پست الکترونیکی استفاده نمی‌نمایید.» آیین اینترنت آنقدر شایع شده که تصور نمیشود کسی بتواند از آن صرفاً به عنوان ابزار استفاده نماید. البته فضایی برای نقد وجود دارد، اما این فضا صریحاً در درون با مناظره‌ای باطل نشانه گذاری شده است: یا تکنیک گریز هستید، یعنی اینکه شما نه تکنیک را دوست دارید و نه دگرگونی و نه چیزهای مدرن را، یا شما کلاً «هوادار اینترنت» هستید. یا شما از دنیای تکنیک رو آورده اید، یا «جوان» هستید، هواداران «دنیای نو» و یا «پیر و عقب افتاده» هستید. شیفته تکنیک تا تکنیک‌گریز، این تنها فضای موجود برای مذاکره است.

قطعاً چنین ساده‌سازی نمیتواند در وضعیت کنونی مناظره‌ی اجتماعی ادعایی داشته باشد. هنوز راهی طولانی برای مبادرت به «غیر مذهبی کردن» فنون درپیش است، تا بتواند فاصله‌ی یکسانی را حفظ کند، هم با باورهای تقریباً مذهبی که فنون را به طور مضحکی می‌پوشانند و هم با دشمنی‌ای که فنون اغلب برمی‌انگیزند.